

## بررسی ساختار روایت دویط و باخه از کتاب کلیله و دمنه «بر پایه نظریه گریماس»

جواد رحماندوست، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند

Rahmandoust57@gmail.com

### چکیده

نشانه - معناشناسی یکی از ابزارهای علمی تحلیل نظام های گفتمانی است که سازوکارهای شکل گیری و تولید معنا در متون را بررسی و مطالعه می کند. معناشناسی امروز، حوزه هایی فراتر از نشانه شناسی کلاسیک و ساخت گرا را دربرمی گیرد. شناخت متون ادبی، دیگر مبتنی بر تحلیل مکانیکی و شناخت فرستنده و گیرنده نیست، بلکه شناخت سیر تولید متن تا انتقال و دریافت، مهم است و این همان هدفی است که گریماس نظریه خود را بر اساس آن بنا نهاده است. او با انتشار کتاب "ساختار معنایی" با بهره گیری از نظریه های زبان شناسانی چون دوسوسور و یاکوبسن، الگوی کنشی خود را در بررسی انواع روایت ها مطرح کرد و درصدد است که با تکیه بر نظریات زبان شناسی، داستان را به عنوان یک ساختار معناشناسی قابل مقایسه با نحو جمله مورد بررسی قرار دهد. در نظریه گریماس، در پی شناخت مراحل تولید تا دریافت معنا، ژرف ساخت روایت در قالب فرایندها و الگوهای گفتمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل ویژگی های نشانه معناشناسی و راهکارهای تولید معنا در روایت "بط و باخه" از کتاب کلیله و دمنه بر پایه نظریه معناشناسانه گریماس پرداخته ایم با این هدف که مشخص نماییم نظریه گریماس که به باور او جهان شمول و قابل انعطاف با سایر متون است، تا چه اندازه با ساختار روایت "بط و باخه" مطابقت دارد. نتیجه پژوهش نشان دهنده هم خوانی این نظریه با متن روایی دویط و باخه است. الگویی که می تواند در دیگر حکایات کلیله و دمنه نیز مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظام گفتمانی، کنش، گریماس، بط و باخه.

### مقدمه

گفتمان روایی یکی از اولین نظام های گفتمانی است که در شناسایی و بسط آن تحلیل گران زیادی از جمله: پراپ (Propp)، مارسل موس (M. Mauss)، کلدلوی استروس (C.L. Strauss)، جرج دومزیل (G. Dumezil)، رولان بارت (R. Barthes)، پل ریکور (P. Ricoeur) و ژولین گریماس (J. Greimas) دخالت داشته اند. همه این نظریه پردازان در بررسی نظام روایی گفتمان، یک نقطه مشترک دارند و آن، وجود یک هسته مرکزی به نام "کنش" در هر متن روایی است.

گریماس در نظریه خود بر معناشناسی روساخت و ژرف ساخت متون تاکید دارد و معتقد است به منظور شناخت معنای، متن باید قاعده ها و معنای آنها را درک کرد، زیرا متن بر اساس اصولی بنیادین شکل می گیرد و نظام مند است و در طی فرایند برش یا تقطیع متن، این اصول و به تبع آن معنا کشف می شود. البته این کشف معنا در گروی مطالعه کنش هایی است که در درون روابط اجتماعی شکل می گیرند.

«معناشناسی، علمی است که ساخت های بنیادین فرایند معنا سازی را مورد مطالعه قرار می دهد.» (سلدن و ویدوسن، ۱۳۸۰: ۱۱۱) بنابراین معناشناسی یک علم است و موضوع علم آن نیز، کشف روابط ساختاری و تولیدکننده معنا بوسیله تحلیل متن یا گفتمان است.

گریماس که با انتشار کتاب "ساختار معنایی" به عنوان یکی از مهم ترین نظریه پردازان معناشناسی و روایت شناسی شناخته شد، در الگوی کنشی خود در بررسی انواع روایت ها به جای آنکه مانند پراپ، سوریو (Souriau) و حتی لوی استروس، بر یک ژانر خاص تکیه داشته باشد، درصدد است تا با تکیه بر نظریات زبان شناسی «داستان را به عنوان یک ساختار معناشناسی قابل مقایسه با نحو جمله مورد بررسی قرار دهد با این هدف که به دستور کلی

وجهانی زبان روایت دست یابد. او راهکارهای تجزیه و تحلیل متون روایی در جهت کشف معنای ژرف‌ساختی‌شان را در قالب فرایندها والگوهای مختلف مطرح می‌سازد که از جمله مشهورترین این الگوها عبارتند از: الگوی کنشی، فرایند مربع معنایی و مباحث مربوط به فرایند تولید معنا در نشانه‌معناشناسی. می‌توان گفت «اصلی‌ترین نشانه‌دسترسی به آثار گریماس تمایزش به معناشناسی و موضع ساختار گرای قوی با تاکید بر الگوها و تقابل‌ها و نقش‌های معنایی است.» (cavazza and pizza, 2006:74)

در پژوهش پیش رو، ویژگی‌های روایی و گفتمانی متنی از کتاب کلیله و دمنه بنام "دوبط و باخه" بر اساس نظریه گریماس بررسی و تحلیل می‌گردد. وجود عناصر روایی و عناصر و تکنیک‌های داستانی، نقد ساختاری و تحلیل عناصر داستانی در کلیله و دمنه را حائز اهمیت می‌سازد. چنانکه می‌دانیم نویسنده این اثر ارزشمند، سخنان خود را بصورتی صریح و پوست باز کرده بیان نکرده است، بلکه آن را در لباس کنایات، تمثیل و حکایات از زبان جانوران بیان می‌نماید، رسمی که از دیرباز در میان دانایان هند و ایران مسلم بوده است. وجود بن‌مایه داستانی، این اجازه را به نویسنده می‌دهد تا اندیشه‌ها، تفکرات، باورها، عقیده‌ها و دردهای خود را در قالب متن روایی برای خواننده بیان کند.

خلاصه حکایت دو بط و باخه که در باب "شیروگاو" از کتاب کلیله و دمنه آمده از این قرار است که در آبگیری دو بط و یک باخه سکونت دارند و بین آنها به سبب مجاورت، رابطه دوستی شکل می‌گیرد. درحالی‌که همه چیز بصورت متعادلی پیش می‌رود، ناگهان روزگار غدار باعث تغییر شرایط ایده آل شده و در آب برکه، کاهش آشکاری پدید می‌آید. بطان با دیدن این وضعیت، تصمیم به کوچ کردن و ترک محل سکونت می‌گیرند، بنابراین برای وداع به نزد باخه می‌روند. باخه با شنیدن تصمیم آنها اندوهگین شده و بسیار اشک می‌ریزد و به مرغابی‌ها می‌گوید که زیان نقصان آب برای او بیشتر است و از آنها می‌خواهد بر اساس قانون جوانمردی، برای بردن او چاره‌ای بیندیشند. بطان با باخه ابراز همدردی می‌کنند و به او می‌گویند که اگر نصیحت پذیر باشد و قول دهد که وقتی در آسمان به پرواز درآمدند، در مقابل سخنان و سرزنش‌های مردمان مجادله نکند و لب به سخن ننگشاید، او را با خود می‌برند. لاک پشت شرط را می‌پذیرد و قول می‌دهد که دم فروبندد. بطان چوبی می‌آورند و باخه میان چوب را محکم به دهان می‌گیرد. بطان نیز دو طرف چوب را به دهان گرفته و به پرواز در می‌آیند. مردم که از دیدن صحنه پرواز باخه به همراه بطان، شگفت زده شده اند هر چیزی می‌گویند. باخه ساعتی تحمل می‌کند، ولی سرانجام طاقتش سرمی‌رسد و جواب آنها را می‌دهد. لب گشودن سبب سقوط باخه می‌شود و بطان با دیدن این صحنه، می‌گویند که بر دوستان نصیحت باشد. آنها به وظیفه خود عمل کرده اند، ولی همه کس نصیحت پذیر نیستند.

#### پیشینه پژوهش

گفتمان روایی و نشانه - معناشناسی با آنکه سابقه ای طولانی ندارد، اما تاکنون موضوع تألیفات و پژوهش‌های بسیاری بوده است از جمله: کتاب "مجموعه مقالات نخستین همایش تحلیل گفتمان و کاربرد شناسی" (۱۳۹۱) گردآوری شده توسط فردوس آقاگل زاده. محمد رضا شعیری نیز در سه کتاب "تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان" (۱۳۸۵)، "راهی به نشانه معناشناسی سیال: با بررسی موردی ققنوس نیما" (۱۳۸۸) و "مبانی معناشناسی نوین" (۱۳۹۱) و در مقالات "از نشانه شناسی ساختگرا تا نشانه معناشناسی گفتمانی" (۱۳۸۸) و "الگوی مطالعه انواع نظام‌های گفتمانی: بررسی نظام‌های روایی، تنشی، حسی، تصادفی و اتیک از دیدگاه نشانه معناشناختی" (۱۳۹۱) و در دیگر پژوهش‌هایی که با همکاران خود انجام داده، توانسته است ضمن معرفی کامل نشانه - معناشناسی و عناصر معناشناسانه تولید معنا در گفتمان، گامی مؤثر در تبیین راهکارهای تولید معنا در یک متن را بردارد. علاوه بر شعیری پژوهشگران دیگری نیز با تکیه بر یک داستان و روایتی مشخص، نظریه گریماس را تجزیه و تحلیل نموده‌اند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نشانه - معناشناسی ساختار روایی داستان "وماتشاوون" براساس نظریه گریماس (۱۳۹۱) تألیف ناهید نصیحت و همکاران

- بررسی نشانه معناشناختی "ماهی سیاه کوچولو" (۱۳۹۰)، علی عباسی وهانیه یارمند

- ساختار روایت خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریه معناشناسانه گریماس (۱۳۹۴)، فاطمه ثواب و همکاران

- بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایه نظریه نشانه - معناشناسی روایی گریماس (۱۳۸۹)، تألیف فهیمه خراسانی

### گفتمان و عوامل تشکیل دهنده آن

بنونیست در تعریف گفتمان می گوید: «هرگاه فردی طی کنشی گفتمانی و در شرایطی تعاملی که تنها عامل ارتباط زبانی است، زبان را مورد استفاده فردی قرار دهد، به تولید گفتمان پرداخته است.» (Benveniste, 1974:266) وجود عامل گفتگو و داشتن سرشتی اجتماعی از ویژگی های اصلی هر گفتمان است. «در هر گفتمان، حضور عنصر گفتگو یا دیالوگ شرط اساسی و مبنای ضروری به شمار می رود. گفتمان در اشکال و قالب های مختلفی سر بر می آورد: در شکل گفتار و کلام یا نوشتار و متن. لیکن در هر صورت جریان یا مقوله ای اجتماعی محسوب گشته و واجد سرشت و ساختار اجتماعی است. البته گفتمان ها بر حسب مکان و زمان با هم تفاوت دارند، زیرا در هر موقعیت مکانی (جغرافیایی) و زمانی (فرهنگی، تاریخی، زبانی، قومی، نژادی و...) با عرف و عادات و سنن اجتماعی - فرهنگی خاص و تیپ های اجتماعی خاصی در مقام مخاطبین گفتمان مواجه هستیم. بدین ترتیب زمینه و بستر گفتمان، جریانی همگن و یکدست نیست، زیرا علاوه بر آنچه گفته شد، گفتمان ها با توجه به انواع نهادها و کاربست های اجتماعی مختلفی که در آن شکل می گیرند، موقعیت و شأن افراد صحبت کننده یا نویسنده (به معنای اعم) و مخاطبان آنها نیز باهم فرق می کنند. (مک دائل، ۱۳۷۹: ۶۶)

تحلیل گفتمان بر اساس توجه به زبان و معنای متن، مبنای ارائه نظریه ها و دیدگاه های مختلفی قرار گرفته است که طیفی گسترده از زبان شناسی نحوی و لغوی تا زبان شناسی مدرن را در بر می گیرد. از جمله این نظریه ها می توان به نظریه نشانه - معناشناسی گریماس اشاره کرد.

### عوامل گفتمانی در نظریه گریماس

بنابر نظریه گریماس، از طریق برش متن، معنا بدست می آید. در این فرایند معنا سازی، کنش و شوش (شدن) به عنوان عوامل گفتمانی مهم، باعث شکل گیری گفتمان و ایجاد تغییر از وضعیتی به وضعیت دیگر و نیز حالت های پس از تغییر می شود. کنش، نظام گفتمانی هوشمند و شوش، نظام گفتمانی احساسی را بوجود می آورد. «شوش از مصدر شدن و توصیف کننده حالتی است که عامل گفتمانی در آن قرار دارد.» (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۲) ممکن است ما در یک گفتمان فقط کنش و فعالیت را نداشته باشیم، بلکه با احساس و ویژگی های روحی از قبیل: اندوه، شادی، امید و... هم روبرو می شویم که ویژگی های شوشی یک گفتمان به شمار می آیند.

در نظام های گفتمانی مبتنی بر کنش با شش عامل گفتمانی؛ یعنی، کنش گزار، کنشگر، کنش پذیر، شیء ارزشی، ضد کنشگر یا بازدارنده و کنش یار سرو کار داریم. کنش گزار، کسی یا چیزی است که کنشگر فاعل را بدنبال خواسته یا هدفی می فرستد و دستور اجرای فرمان را می دهد و کنشگر را وامی دارد تا به موضوع واقف شود. کنشگر، همان فاعل یا قهرمان، کسی است که عمل می کند و به سوی شیء ارزشی می رود. شیء ارزشی، همان هدف و موضوعی است که کنشگر بدنبال آن است. ضد کنشگر یا بازدارنده، کسی یا چیزی است که مانع رسیدن کنشگر به هدف و شیء ارزشی می شود. کنش پذیر، کسی است که از عملکرد فاعل سود می برد که خود فاعل هم می تواند از گیرندگان به شمار آید.

این عوامل گفتمانی در حکایت دویط و باخه بدین صورت است که مرغابی‌ها در نقش کنش‌گزارانی هستند که دستور اجرای فرمان را به لاک‌پشت که در اینجا کنشگر است، می‌دهند و از او می‌خواهند به نصیحت آنها توجه کند و در برابر سخنان و سرزنش‌های مردم لب به سخن ننگشاید. ضد کنشگر همان مردمی هستند که از دیدن لاک‌پشت در حال پرواز تعجب می‌کنند و باعث می‌شوند که او به هدفش نرسد. شیء ارزشی همان هدف لاک‌پشت برای همراه شدن با مرغابی‌ها و نقل مکان به جایی دیگر است. کنش یار در این روایت هم چوبی است که مرغابی‌ها بوسیله آن لاک‌پشت را با خود همراه می‌کنند و این چوب به کنشگر در رسیدن به هدفش کمک می‌کند.

### انواع نظام‌های گفتمانی در نظریه گریماس

با توجه به ویژگی‌های نشانه-معنایی حاکم بر نظام‌های گفتمانی، این نظام‌ها به سه دسته کلی: هوشمند، حسی-ادراکی و رخدادی تقسیم می‌شوند. اگر نظام گفتمانی مبتنی بر کنش باشد، به آن هوشمند یا شناختی می‌گویند و اگر مبتنی بر شوش باشد نظام‌های گفتمانی حسی-ادراکی یا عاطفی را می‌سازد و اگر هم تصادفی و بدون اراده بشری باشد، نظام‌های رخدادی را به وجود می‌آورد.

#### ۱- نظام گفتمانی هوشمند

این نظام مبتنی بر شناخت است و در هر ارتباط کلامی که بین فرستنده و گیرنده شکل می‌گیرد، اطلاعاتی از مبدأ به مقصد فرستاده می‌شود که مبتنی بر شناخت است. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۵) در اینجا معنا تابع برنامه‌ریزی و اهداف از پیش تعیین شده است و تعامل، برنامه‌مدار، کنشی یا تجویزی است. نوع ارتباط بین عوامل گفتمان از بالا به پایین است؛ یعنی، کنش‌گزار در حکم فرمان‌گزار فرمانی را تجویز می‌کند و کنشگر طبق برنامه و یا قراری که گذاشته می‌شود باید به آن عمل کند. «در این نظام، کنشگر بر اساس برنامه یا قرارداد تنظیمی یا دستوری عمل می‌کند و در اجرای قرارداد و تعهداتش نمی‌تواند بر احساسات و عواطف خود چیزی از برنامه بکاهد یا به آن بیفزاید.» (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۱۷) در پایان، بعد از ارزیابی شناختی و عملی که توسط کنش‌گزار و یا خود کنشگر انجام می‌شود، کنشگر با توجه به کنش خود، مجازات شده و یا پاداش می‌گیرد. به عنوان مثال، فرمانده‌ای را در نظر بگیرید که به سربازان خود می‌گوید: «بروید و فلانی را دستگیر کرده و بیاورید.» در اینجا سربازان نمی‌توانند از فرمان سرپیچی کنند و اگر کنش انجام نشود، مجازاتی در انتظار سربازان است. حال اگر فرمانده به سربازان خود بگوید: «اگر بروید و فلانی را دستگیر کرده و بیاورید، به شما پاداش داده می‌شود.» در اینجا کنش بر اساس منطقی قابل دفاع شکل می‌گیرد و با کنش تجویزی منطقی یا عقلانی مواجه‌ایم. به عبارت دیگر، نوعی قرارداد در ماهیت نظام تجویزی شکل می‌گیرد و کنش‌گزار و کنشگر با هم قراری می‌گذارند که به آن نظام تجویزی قراردادی می‌گوییم.

«در این نوع نظام‌های شناختی، گریماس معتقد است که در اکثر داستان‌ها روند حاکم بر متن به گونه‌ای است که در آغاز وضعیت متعادلی حاکم است و همه چیز از یک نقصان آغاز می‌شود و این نقصان به عقد قرار داد منجر می‌شود.» (عباسی و یارمند، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

روند حاکم بر حکایت مورد بحث ما نیز با نظر گریماس همخوانی دارد؛ یعنی، در آغاز شرایط متعادلی در محل زندگی بطان و باخه حاکم است. آنها در کمال آرامش در کنار هم زندگی می‌کنند تا اینکه نقصان فاحشی در آب آبگیر پدید می‌آید و در اثر آن، بطان تصمیم به کوچ کردن می‌گیرند و برای خداحافظی به نزد لاک‌پشت می‌روند. مرغابی‌ها که به دلیل داشتن توان پرواز، در موقعیتی برتر از لاک‌پشت قرار دارند، در نقش کنش‌گزار با لاک‌پشت که در اینجا کنشگر است، قرار می‌گذارند که اگر او قول دهد در هنگام برخورد با مردمی که هر چیزی درباره آنها می‌گویند، مجادله نکند و سخنی نگوید، او را با خود می‌برند. بنابراین، در اینجا نظام تجویزی قراردادی برقرار می‌شود. در پایان، لاک‌پشت که در اجرای قرارداد ناکام می‌ماند و نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند، مجازات می‌شود و جان خود را از دست می‌دهد. بطان نیز در خاتمه کار، باخه را ارزیابی و مورد قضاوت قرار می‌دهند.

الگوی کلی این نظام بصورت زیر است:

«قرارداد (یا ممنوعیت) ← نقض یا عمل ← مجازات یا پاداش» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴:۱۴۵)

«بختی که گریماس در این باره مطرح می کند، موضوع زنجیره‌های ساختاری سه‌گانه در ساخت پی‌رفت هر داستان است که از یک سو (تنظیم پی‌رفت) تحت تاثیر پراپ و از سوی دیگر (پی‌رفت‌های سه‌گانه) تحت تاثیر برمون بوده است. خود گریماس معتقد به سه زنجیره مجزا در روایت‌های عامیانه است که اسکولز این سه زنجیره را به شکل زیر اصلاح می‌کند:

۱- زنجیره پیمان شامل: متعهد و متعهد (قهرمان) ۲- زنجیره آزمون شامل: آزمونگر و آزموده (قهرمان) و ۳- زنجیره داوری شامل: قاضی و قهرمان.» (همان)

این سه زنجیره در روایت دوبط و باخه به این صورت قابل شناسایی است: ۱- باخه پیمانی را دریافت می‌کند (می‌پذیرد) ۲- باخه مورد آزمون قرار می‌گیرد (شکست) ۳- باخه مورد قضاوت قرار می‌گیرد (کیفر) «گریماس معتقد است سی و یک کارکرد پراپ در بیست کارکرد خلاصه می‌شود که همگی در سه زنجیره فوق جمع خواهند شد، بنابراین هر قصه یا هر پی‌رفت (اپیزود کامل و تجزیه ناپذیر) دست کم یکی از زنجیره‌های بالا را شامل می‌شود، چنانکه روایت ادیپ زنجیره نخست را دارد: او از پدرکشی و زنا محارم منع می‌شود ← نقض می‌کند ← مجازات می‌شود.» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴:۱۴۵)

## ۱-۱- نظام تعامل القایی

نظامی است که در آن هر دو طرف کنش یا برنامه در تعامل با یکدیگر سبب تعیین کنش یا شکل گرفتن آن می‌شوند؛ یعنی، یکی از دو طرف باید بتواند در دیگری این باور را ایجاد کند که اجرای کنش به نفع اوست و از این راه بهتر به مقصود خود می‌رسد. در اینجا رابطه از بالا به پایین نیست و دو طرف نسبت به هم برتری ندارند، بلکه آنچه تعیین‌کننده است، قدرت القا و استدلال است. یکی از طرفین خواسته‌ای را باروش‌های گوناگون به دیگری القا کرده و باعث انجام کنش می‌شود. در واقع القا، سبب کنش می‌شود و در پایان ارزیابی انجام می‌گردد. «چنین القائاتی راهکارهای متفاوتی دارد که عبارتند از: القا از راه چاپلوسی، وسوسه، اغوا، تحریک، تهدید و رشوه دادن.» (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸:۱۹)

نمونه بارز این نظام گفتمانی را می‌توان در داستان روباه و زاغ مشاهده کرد. روباه در این داستان با چاپلوسی این باور را در زاغ القا می‌کند که اگر آوازش هم زیبا باشد، بهتر از او در میان مرغان وجود ندارد. این القا باعث بروز کنش در زاغ می‌شود و زاغ با آوازخواندن، طعمه را رها کرده و روباه به خواسته خود می‌رسد. در جامعه نیز افراد بسیاری هستند که بخاطر القائات دیگران، نظر و باور خود را تغییر می‌دهند و مطابق باوری که دیگران در آنها بوجود می‌آورند، عمل می‌کنند. در اصطلاح عامه به این گونه افراد "دهن بین" می‌گویند.

نظام گفتمان القایی در حکایت دوبط و باخه آنجا دیده می‌شود که وقتی بطان بوسیله چوب، باخه را به آسمان می‌برند، مردمی که از مشاهده لاک‌پشت پرنده شگفت‌زده شده‌اند، هر چیزی می‌گویند و باعث می‌شوند باخه تحریک شده و با سخن گفتن، چوب را رها کند. در واقع القای مردمان از طریق تحریک، باخه را به کنش رها کردن چوب وا می‌دارد و در پایان، باخه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: «چون به اوج هوا رسیدند، مردمان را از ایشان شگفت آمد و از چپ و راست بانگ بخاست که "بطان باخه می‌برند." باخه ساعتی خویشتن نگاه داشت، آخر بی‌طاقت گشت و گفت: تا کور شوید. دهان گشادن بود و از بالا درگشتن.» (کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی)

گاهی القا دوسویه است و هر دو طرف بوسیله القا، باوری را در دیگری ایجاد کرده و او را وادار به انجام کنش می‌نماید. در پایان کار نیز هر دو ارزیابی می‌شوند. نمونه این حالت را می‌توان در روایتی از داستان "روبه و خروس" مشاهده کرد:



«روزی روباهی از کنار دهی می‌گذشت. چشمش به خروس افتاد. پیش رفت و سلام کرد و گفت: رفیق، پدرت بسیار خوش آواز بود، تو چطور می‌خوانی؟ خروس گفت: اکنون می‌بینی که من هم مانند پدرم خوش آواز هستم. خروس این گفت و فوری چشم‌هایش را بست و آواز بلندی سرداد. روباه برجست و او را به دندان گرفت و فرار کرد. سگ‌های ده او را دنبال کردند، خروس به فکر چاره افتاد، به روباه گفت اگر می‌خواهی که از دست سگ‌های ده آسوده شوی، فریاد کن و بگو این خروس را از ده شما نگرفته‌ام. روباه با آن همه زیرکی فریب خورد. تا دهان باز کرد، خروس از دهانش پرید. روباه با ناامیدی به خروس نگاهی کرد و گفت: نفرین بر دهانی که بی‌موقع باز شود. خروس هم گفت: نفرین بر چشمی که بی‌موقع بسته شود.» (فارسی دوم دبستان، 99-100:1369)

چنان که مشاهده می‌شود، در اینجا روباه و خروس هر دو با اغوای یکدیگر، القایی در طرف مقابل ایجاد می‌کنند و این القاء، سبب انجام واکنش می‌گردد. در پایان، هم روباه به ارزیابی خود می‌پردازد و هم خروس. الگوی نظام القایی بصورت مقابل است: القا ← کنش ← ارزیابی

## ۲-۱- تعامل اخلاقی - مرامی (اتیک)

«در این گفتمان یکی از طرفین بر اساس اخلاق فردی یا اجتماعی، خود را موظف به انجام عمل می‌داند. در اینجا ما با باوری بنیادی مواجه‌ایم که در وجود کنشگر ریشه دوانده است و نه باوری که هر لحظه بر اساس القاء تغییر می‌کند.» (شعیری، ۱۳۸۶:۱۱۳)

نمونه آشکار این نوع گفتمان را می‌توانیم در داستان "داش آکل" صادق هدایت ببینیم، داش آکل بخاطر مرام و پابندی به اصول اخلاقی که بدان باور دارد، پا بر روی عشق و علاقه خود به مرجان می‌گذارد در حالیکه او مجبور نیست این کار را انجام دهد و در انتخاب عشق یا مرام آزادی عمل دارد. اتیک البته با اخلاق تفاوت‌هایی دارد «اتیک با اخلاق متفاوت است، چرا که اخلاق، حوزه باید‌هاست در حالیکه اتیک، حوزه خواستن‌هاست. من باید به چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی احترام بگذارم، اما من می‌توانم جای پارک خود را به دیگری که نیاز بیشتری دارد، تقدیم کنم، ولی مجبور به این عمل هم نیستم با این حال اگر این کار را انجام دهم تولید ارزشی ویژه و گاهی چشم‌گیر کرده‌ام.» (شعیری، ۱۳۹۱:۱۸۰)

نظام اتیک در روایت دویط و باخه زمانی اتفاق می‌افتد که مرغابی‌ها با آنکه لاک‌پشت را خوب می‌شناسند و می‌دانند که گوش شنوایی ندارد، اما باز هم مرام دوستی را بجای می‌آورند. آنها باخه را نصیحت می‌کنند و برای بردنش چاره‌ای می‌اندیشند، در حالی که مجبور به این کار نیستند: «...اما تو اشارت مشفقان و قول ناصحان را سبک داری و بر آنچه به مصلحت حال و مآل تو پیوندد ثبات نکنی و اگر خواهی که تو را ببریم شرط آن است که چون تو را برداشتیم و در هوا رفتیم، چندان که مردمان را چشم بر ما افتد هر چیز گویند راه جلد بر بندگی و البته لب‌نگشایی. گفت: فرمان بردارم و آنچه بر شما از روی مروت واجب بود به جای آورید و من هم می‌پذیرم که دم‌ترقم و دل در سنگ شکنم. بطن چوبی بیاوردند و باخه میان آن به دندان بگرفت محکم و بطن هر دو جانب چوب ره به دهان برداشتند و او را می‌بردند. چون به اوج هوا رسیدند، مردمان را از ایشان شگفت آمد و از چپ و راست بانگ برخاست که "بطن باخه می‌برند". باخه ساعتی خویشتن نگاه داشت، آخر بی‌طاقت گشت و گفت: تا کور شویدی. دهان گشاد بود واز بالا در گشتن. بطن آواز دادند که: بر دوستان نصیحت باشد.

نیک خواهان دهند پند و لیک نیک بختان بوند پند پذیر» (کلیله و دمنه، تصحیح مینوی)

## ۲- نظام گفتمانی حسی - ادراکی

این نظام مبتنی بر شوش (شدن) است و از اصل شوش پیروی می‌کند. در این نوع گفتمان که به آن گفتمان عاطفی نیز می‌گویند، بجای کنشگر ما با شوشگر مواجه‌ایم و شوشگر با توجه به تغییری که در احساسات او رخ می‌دهد، دست به کنش می‌زند. «نظام گفتمانی حسی - ادراکی یک نظام تعاملی است که بر خود تعامل یعنی آنچه دو طرف رابطه

در هنگام ارتباط حس می‌کنند تکیه دارد. شیوه حضور یا شیوه عملکرد هر یک از دو طرف درگیر تعامل، موجب احساس در طرف دیگر می‌شود که به واکنش یا حرکت کنشگر می‌انجامد. در اینجا بجای ایجاد باور، ایجاد حس مشترک است که اهمیت می‌یابد.» (شعیری، ۱۳۸۵: ۲۰)

این نظام و ایجاد حس مشترک را در جایی از حکایت دویط و باخه می‌توانیم ببینیم که بطان برای وداع به نزد باخه می‌روند و باخه پس از شنیدن تصمیم آنها به رفتن از محل زندگی‌شان، دچار یک وضعیت عاطفی شدید شده و بسیار گریه می‌کند. سپس مرغابی‌ها با او ابراز همدلی و هم‌دردی می‌کنند و به او می‌گویند که آنها هم از دوری او غمگین می‌شوند و این حس مشترک در بطان نیز ایجاد می‌شود: «بطان چون آن بدیدند به نزدیک باخه رفتند و گفتند: به وداع آمده‌ایم، پدرود باش ای دوست گرامی و رفیق موافق. باخه از درد فرقت و سوز هجرت بنالید و از اشک بسی ڈر و گهر بارید و گفت: ای دوستان و یاران، مضرت نقصان آب در حق من زیادت است که معیشت من بی از آن ممکن نگردد و اکنون حکم مروت و قضیت کرم عهد، آن است که بردن مرا وجهی اندیشید و حیلتنی سازید. گفتند: رنج هجران تو ما را بیش است و هر کجا رویم اگر چه در خصب و نعمت باشیم بی‌دیدار تو از آن تمتع ولدت نیابیم...» (کلیله و دمنه، تصحیح مینوی)

آنچه در نظام عاطفی مشاهده می‌شود، این است که در اینجا، کنش نه بر اساس تجویز و اجبار شکل می‌گیرد و نه القایی درکار است، بلکه شرایط روحی و عاطفی است که سبب بروز عملکرد می‌گردد. نمونه‌هایی از این گفتمان را می‌توان در صحنه‌های اجتماعی و هنگامی که گروهی از مردم دچار بلا و مصیبتی می‌شوند و دیگران با آنها ابراز همدلی و هم‌دردی می‌کنند، مشاهده کرد. نظام حسی - ادراکی در واقع مصداق همان ابیات مشهور شیخ شیراز است که:

که در آفرینش ز یک گوهرند  
دگر عضوها را نماند قرار...

بنی آدم اعضای یک پیکرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار

## ۲-۱- گفتمان زیبایی شناختی

گونه‌ای از نظام حسی - ادراکی گفتمان زیبایی‌شناختی است که جنبه کاملاً پدیداری دارد. در این نظام یک کنشگر در تعامل با کنشگر دیگر قرار نمی‌گیرد، بلکه رابطه‌ای حسی - ادراکی در میان است که می‌تواند بین هر عامل انسانی و غیرانسانی با عاملی دیگر برقرار شود. «اینکه انسان در تعامل با دنیا به چه حضور و احساسی دست می‌یابد، پدید آورنده گونه‌های زیبایی‌شناختی است.» (خراسانی، ۱۳۸۹: ۷۰) اتفاق زیبایی‌شناختی در متن زمانی بروز می‌یابد که چیزی خلاف انتظار رخ دهد و همه محاسبات قبلی را بر هم بزند. عواملی چون ناپیوستگی‌های گفتمانی و متمایزسازی‌ها و ساختار شکنی‌ها، تکانه‌هایی هستند که زیبایی‌شناسی متن را به وجود می‌آورند.

گفتمان زیبایی‌شناختی در متن روایی دویط و باخه شکل نگرفته است. این نوع گفتمان در سیره و شیوه آموزش بزرگان دین و عرفای ما به فراوانی دیده می‌شود که برای مثال می‌توانیم به حکایت "مستوجب آتش" از کتاب اسرار التوحید اشاره کنیم: «آورده‌اند که روزی شیخ ما - قدس الله روحه العزیز - در نیشابور به محله‌ای فرو می‌شد و جمع متصوفه، بیش از صد و پنجاه کس بازو به هم. ناگاه زنی پارهای خاکستر از بام بینداخت؛ نادانسته که کسی می‌گذرد. از آن خاکستر بعضی به جامه شیخ رسید شیخ فارغ بود و هیچ متأثر نگشت. جمع در اضطراب آمدند و گفتند: این سرای باز کنیم و خواستند که حرکتی کنند. شیخ ما گفت: آرام گیرید؛ کسی که مستوجب آتش بود به خاکستر بازو قناعت کنند، بسیار شکر واجب آید. جمله جمع را وقت خوش گشت و بسیار بگریستند و نعره‌ها زدند. این شیوه رفتار زیبایی‌شناسانه ابوسعید ابوالخیر آنچنان در مریدان کارگر می‌افتد که نعره‌ها می‌زنند و گریه‌ها می‌کنند.» (اسرار التوحید، تصحیح شفیع کدکنی)

## ۳- نظام گفتمانی رخدادی

در این گونه از گفتمان، بروز معنا، محصول جریانی نامنتظر است؛ یعنی، بدون اینکه کنشی در کار باشد، شدنی رخ

می‌دهد. در اینجا این رخدادها هستند که کنش را رقم می‌زنند و کنشگران نقشی در شکل‌گیری کنش ندارند. رخداد در نظام گفتمانی به اتفاقی گفته می‌شود که بدون دخالت کنشگران یا کنشگر شکل می‌گیرد و منجر به بروز کنش می‌شود که اگر آن اتفاق نبود، ضرورتی برای تحقق آن وجود نداشت. در نظام رخدادی با سه گونه گفتمانی که شدن بوسیله آنها اتفاق می‌افتد، مواجهه‌ایم: تقدیر و اقبال، تکانه یا تصادفی غیر منتظره و مشیت الهی. مشیت الهی، حکایت از حضور مرجعی قدرتمند و فراابشری دارد که منشأ اصلی همه توانش‌ها و کنش‌هاست. «مشیت الهی، کنشی اسطوره‌ای است که متکی بر حضور قدرتی مطلق است که می‌توان آن را ابرحضور نامید. چنین ابرحضوری توان دگرگون ساختن همه گفتمان‌های موجود و یا دخل و تصرف در آنها را در هر شرایطی دارد.» (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۶)

گفتمان رخدادی در حکایت دویط و باخه نقش مهمی دارد، چرا که شکل‌گیری و حوادث داستان بر پایه آن پدید می‌آید: «آورده‌اند که در آبگیری دو بط و یک باخه ساکن بودند و میان ایشان به حکم مجاورت دوستی و مصادقت افتاده. ناگاه دست روزگار غدار رخسار حال ایشان بخراشید و سپهر آینه فام صورت مفارقت بدیشان نمود و در آن آب که مایه حیات ایشان بود نقصان فاحش پیدا آمد.» (کلیله و دمنه، تصحیح مینوی)

دلیل ایجاد دوستی بین بطن و باخه، مجاورت ذکر شده که طرفین در شکل‌گیری آن نقشی نداشته‌اند، بلکه تقدیر و اقبال موجب آن شده است و بنابراین منطبق بر گفتمان رخدادی است. در ادامه، روزگار و سرنوشت، جدایی آنها را سبب می‌شود و تکانه یا تصادفی غیرمنتظره که همان کاهش آشکار آب است باعث می‌شود که شخصیت‌های داستان براساس آن تصمیم بگیرند و کنش‌های متناسبی را داشته باشند. در واقع ما با دورخداد در اینجا مواجهه‌ایم، یکی مجاورت براساس تقدیر و اقبال که باعث ایجاد دوستی و مصادقت بین بطن و باخه می‌شود و دیگری نقصان آب براساس تصادفی غیرمنتظره که سبب ترک محل سکونت می‌گردد. تقدیر و اتفاق غیرمنتظره در داستان‌های دیگر کلیله و دمنه هم نقش مهم و تأثیرگذاری دارد. به عنوان نمونه در "داستان ماهیان" اتفاق غیرمنتظره گذر دو صیاد از کنار آبگیر، سبب شکل‌گیری حوادث و اتفاقات بعدی داستان می‌شود: «آورده‌اند که در آبگیری از راه دور و از تعرض گذریان مصون، سه ماهی بود، دو حازم و یکی عاجز. از قضا روزی دو صیاد بران گذشتند با یک دیگر میعاد نهادند که جال بیارند و هر سه را بگیرند.» (همان) در داستان "گواهی درخت" نیز مشابه همین الگو دیده می‌شود. در این داستان، دو شریک که به بازرگانی می‌رفتند برحسب اتفاق و اقبالی خوشایند، ناگاه بدره‌ای زر در راه می‌یابند و تصمیم می‌گیرند که به آن قناعت کنند و از بازرگانی منصرف شوند: «دو شریک بودند یکی دانا و دیگر نادان و به بازرگانی می‌رفتند. در راه بدره‌ای زر یافتند، گفتند: سود ناکرده در جهان بسیار است، بدین قناعت باید کرد و بازگشت.» (همان)

### نتیجه‌گیری

نتایجی که در پژوهش حاضر با توجه به بررسی و تحلیل‌های انجام گرفته، بدان دست یافتیم حاکی از آن است که نظریه گریماس با ساختار روایت دویط و باخه از کتاب کلیله و دمنه همخوانی و مطابقت دارد و شاید بتوان این نظریه را با سایر حکایات کلیله و دمنه نیز قابل انطباق دانست.

در داستان دویط و باخه انواع نظام‌های گفتمانی به چشم می‌خورد. داستان با تعاملی رخدادی در اثر یک نقصان چنان که گریماس به آن معتقد است کلید می‌خورد. بر اساس بروز رخدادی غیر منتظره؛ یعنی، نقصان آب، بطن تصمیم به جدایی از لاک‌پشت و رفتن به مکانی دیگر می‌گیرند. آنها وقتی باخه را از تصمیم خود آگاه می‌کنند، او در شرایطی عاطفی قرار می‌گیرد و نظام حسی - ادراکی باعث ایجاد حسی مشترک بین بطن و باخه می‌شود. در ادامه براساس گفتمانی مرام مدار بطن برای بردن باخه با خود چاره‌ای می‌اندیشند و سپس در تعاملی هوشمند و تجویزی از باخه قول می‌گیرند که نصیحت پذیر باشد و از او قول می‌گیرند که در مقابل سخنان و سرزنش‌های مردم مجادله نکرده و سکوت پیشه کند. لاک‌پشت نمی‌تواند به قول خود عمل کند و در تعهد به پیمان خود شکست خورده و با سقوط کردن مجازات می‌شود. در خاتمه بطن بر اساس مرامی که به آن باور دارند می‌گویند: «بر دوستان نصیحت باشد.»



## مراجع و منابع

- ۱ - آفاگل زاده، فردوس؛ مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی؛ تهران: نویسه پرسی، ۱۳۹۱.
  - ۲ - احمدی، بابک؛ ساختار و تاویل متن، ج چهاردهم، تهران: مرکز، ۱۳۹۱.
  - ۳ - ثواب، فاطمه و دیگران؛ «ساختار روایت خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریه معناشناسانه گریماس»، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، بهار و تابستان ۹۴.
  - ۴ - خراسانی، فهیمه. (۱۳۸۹). بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایه نظریه معناشناسی روایی گریماس، پایان نامه کارشناسی ارشد.
  - ۵ - داودی مقدم، فریده؛ «تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان در قصه یوسف»؛ مجله آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۲۰، پاییز و زمستان ۹۳.
  - ۶ - دفتر تحقیقات، برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، فارسی دوم دبستان، تهران: افست، ۱۳۶۹.
  - ۷ - سلدن، رمان و پیتر ویدوسون؛ راهنمای نظریه ادبی معاصر؛ ترجمه عباس مخبر، ج سوم، تهران: طرح نو، ۱۳۸۴.
  - ۸ - شعیری، حمیدرضا؛ «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه معناشناسی»؛ مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶.
  - ۹ - .....؛ «از نشانه شناسی ساختگرا تا نشانه معناشناسی گفتمانی»؛ نقد ادبی، ش ۸، ۱۳۸۸.
  - ۱۰ - شعیری، حمیدرضا و وفایی، ترانه؛ قنوس راهی به نشانه معناشناسی سیال؛ ج اول، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
  - ۱۱ - .....؛ مبانی معناشناسی نوین؛ ج سوم، تهران: سمت، ۱۳۹۱.
  - ۱۲ - .....؛ الگوی مطالعه انواع نظام‌های گفتمانی: بررسی نظام‌های روایی، تشیی، حسی، تصادفی و اتیک از دیدگاه نشانه معناشناختی»؛ مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: نویسه پرسی، ۱۳۹۱.
  - ۱۳ - عباسی، علی و یارمند، هانیه؛ «عبور از مربع معنایی به مربع متنی: بررسی نشانه شناختی ماهی سیاه کوچولو»، پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ش ۳، ۱۳۹۰.
  - ۱۴ - گریماس، آلژیر داس ژولین؛ نقصان معنا؛ ترجمه حمیدرضا شعیری، تهران: علم، ۱۳۸۹.
  - ۱۵ - محمدبن منور؛ اسرار التوحید؛ تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، ج سوم، تهران: آگاه، ۱۳۷۱.
  - ۱۶ - مک دائل، دایان؛ نظریه‌های تحلیل گفتمان: ایدئولوژی تا گفتمان: موضع آلتوسری، ترجمه حسین علی نوزری، گفتمان و تحلیل گفتمانی، مجموعه مقالات، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.
  - ۱۷ - منشی، ابوالمعالی نصرالله؛ کلیله و دمنه؛ تصحیح مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۵۱.
18. Benveniste, E. *Problemes de linguistique general*. Gallimard, 1974.
19. Cavazza, Marc; Pizza, David; *Narratology for interactive story telling: a critical introduction*, United Kingdom: University of Teesside (School of Computing), Springer-Verlag Berlin Heidelberg, 2006.